فیش منبر

موضوع:

شرح دعای روز بیست و دوم

درب‌های فضل و رحمت الهی



جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

شرح دعای روزهای رمضان‌المبارک

سی نغمه از رمضان

متن دعا:

«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی فِیهِ أَبْوَابَ فَضْلِکَ وَ أَنْزِلْ عَلَیَّ فِیهِ بَرَکَاتِکَ وَ وَفِّقْنِی فِیهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِکَ وَ أَسْکِنِّی فِیهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّاتِکَ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ.»

ترجمه:

خدایا! در این روز درهای فضلت را به روی من بگشا، برکاتت را بر من نازل کن، در آن روز مرا به موجبات خشنودی‌ات موفق بدار و مرا در میان بهترینِ بهشت‌هایت ساکن گردان، ای اجابت‌کننده دعای درماندگان.

شروع

خداوند فرصت‌های فراوانی را برای بندگی فراهم می‌کند، به‌قدری که فردای قیامت وقتی بنده را برای تسویه‌حساب می‌آورند، خداوند فهرستی از فرصت‌هایی را که به بنده داده، روی میز می‌گذارد و بنده شرمنده از این همه فرصت می‌شود که قدرش را ندانسته و بی‌چون و چرا راهش را کج می‌کند و به جهنم می‌رود.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

این فرصت‌ها یکی از معانی **فضل خدا** است؛ وگرنه اگر می‌خواست طبق قاعده عمل کند که همه زیان‌کار می‌شدند. قرآن در این باره می‌فرماید:

«ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِنْ بَعْدِ ذلِکَ فَلَوْ لا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ.» (بقره/۶۴)

بعد از روی گرداندن شما، اگر فضل و رحمتش نبود، شما از زیان‌کاران بودید.

ابوالعالیه (از رواه) می‌گوید: فضل خدا «ایمان» است و رحمت او «قرآن». بنا بر این، معنای آیه این است که اگر نبود قدرت ایمانی که من به شما دادم و موانع آن را از جلوی راه شما برداشتم، شما زیان‌کار و خسارت‌زده بودید.

علّت این‌که ایمان بنی‌اسرائیل و توبه آنان فضل خدا شمرده شده این است که فضل و خواست و تقدیر خدا سبب آن شد. و یا ممکن است منظور از فضل خدا این باشد که پس از روی گرداندن و بازگشت بنی‌اسرائیل، خداوند آنان را هلاک نکرد و مهلت داد تا شما توبه کردید؛ و الّا قطعاً هلاک می‌شدید. (ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۱، ص: ۲۰۳)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

اقناع اندیشه

هر کس فرصت‌های بندگی را در زندگی‌اش پاس بدارد، خدا هم برکتی در زندگی‌اش قرار می‌دهد که دیگران حسرتش را بخورند.

از سفارشات کوتاه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کمیل:

«يَا كُمَيْلُ الْبَرَكَةُ فِي مَالِ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَ وَاسَى الْمُؤْمِنِينَ وَ وَصَلَ الْأَقْرَبِينَ.»

ای کمیل! برکت در مال و ثروت کسی است که زکات دهد، اهل ایمان را یاری نماید، و صله رحم کند. (تحف العقول، ص۱۷۲)

و هر کسی این فرصت‌ها را بسوزاند، برکت از زندگی‌اش می‌رود. یکی از فرصت‌ها این است که آدم مال داشته باشد، بتواند انفاق کند و حقوق مالی‌اش را بپردازد. حالا اگر کسی این کار را نکرد و اسراف کرده، برکت کم می‌شود و همیشه آدم هشتش گروی نهش است.

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ مَعَ الْإِسْرَافِ قِلَّةَ الْبَرَكَةِ.»

با اسراف و زیاده‌روی، برکت اموال رو به کاهش می‌رود. شرح: یعنی آفت زندگی بیشتر می‌شود و عوارضی از قبیل بیماری، تصادف، آتش‌سوزی رخ می‌دهد که هستی را به کام خود می‌برد. (الکافی، ج۴، ص۵۵)

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

پرورش احساس

برکت، نعمتی است که روزی کسی می‌شود که فرصت‌های بندگی را از دست نداده، هر جا دستش رسیده به خدا اعتماد کرده، خودش برای خودش خدای نکرده، برای خدا خرج کرده و خدا هم برایش سنگ تمام گذاشته.

زمان محقق اردبیلی در نجف مرسوم بوده هر کس نان خودش را در خانه خودش تهیه می‌کرده است. مرحوم اردبیلی هم مقداری گندم و آرد در منزلش برای معیشت سالیانه‌اش داشت. اواخر سال مصادف با قحطی جنس شد. جناب اردبیلی هم بنا گذاشت به مواسات؛ خبر داد هر کس ندارد بیاید، ما داریم، به مقدار مساوی تقسیم کرد؛ مقداری هم به اندازه ی دیگران برداشت. اهل بیتش به او اعتراض کردند که چرا زن و بچّه‌ات را گدا کردی. در این هنگام سختی، اردبیلی را ناراحت کردند. از نجف به کوفه رفت، در مسجد کوفه معتکف شد. در این سه روز، درب خانه ی اردبیلی را می‌کوبند. عربی با باری آرد آمده، می‌گوید مال اردبیلی است، ایشان در مسجد کوفه است. ظرف‌ها را پُر کردند، خوشحال شدند. پس از برگشتن اردبیلی، خانواده‌اش می‌گویند: آرد خوبی بود، از کجا پیدا کرده بودید؟ پرسید: کدام آرد؟ قصه را گفتند. فهمید خدایی که وعده داده «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يخْلِفُهُ» عوضش را داده است. چنین است معامله الهی، شواهد فراوان است،

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

از موضوعات قرآن مجید است؛ تخلّف‌پذیر نیست مگر وقتی شرطش نباشد. (انفاق، ص ۳۴۰)

رفتارسازی

نکنیم با انجام کارهایی، این فرصت بهره‌برداری از برکت را از دست بدهیم. حضرت زهرا (س) از نبی اکرم (ص) سؤال فرمودند: برای کسی که نسبت به نماز سهل‌انگاری می‌کند چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ پیامبر فرمودند:

«فاطمه جان! کسی که نماز را سبک بشمارد، خداوند او را به ۱۵ خصلت مبتلا می‌دارد که شش تای آن در دنیا و سه تای آن در هنگام مرگ و سه تای آن در برزخ و سه تای آن در قیامت خواهد بود... پس خداوند برکت و خیر را از عمر او برداشته و روزی او را نیز بی‌برکت قرار خواهد داد و سیمای صالحین را از چهره او محو می‌گرداند.» (مستدرک الوسائل، ج: ۳، ص: ۲۴)

چقدر از فرصت‌های ما در صف نانوایی برای گرفتن دو عدد نان سنگک گرفته می‌شود؟ یا همین‌که می‌رسیم به اتوبوس واحد حرکت می‌کند و بعد چقدر می‌ایستیم تا یکی می‌آید و وقتی هم که می‌آید پُر است، یا مربوط به خط دیگری است، یا سوار می‌شویم و در بین راه خراب می‌شود که باید پیاده شویم! یا پشت چراغ قرمزها چقدر اسیر می‌شویم و وقتی که می‌بینیم ثانیه‌شمار به خط قرمز عدد ۱۳۰ را نشان می‌دهد و تازه همین که به ثانیه

۶ رسید، به اندازه ۵ ثانیه دیگر هم می‌ایستد؛ چه استرس‌ها که بر ما وارد می‌شود! و این‌ها که گفتم معنای **عمر بی‌برکت** است؛ عمر بی‌برکت یعنی آنچه از عمر صرف می‌کنی بسیار است ولی آنچه بهره می‌داری بسیار کم و اندک و ناچیز است. و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: کسی که اهل نماز نباشد خداوند برکت را از عمر او خواهد گرفت. («یَرفَعُ اللهُ البَرَکَةَ مِن عُمرِهِ» سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۴) و این، یعنی نماز مایه برکت عمر خواهد بود.

نمی‌خواهم بگویم کسی که اهل نماز است در صف نانوایی و یا پشت چراغ قرمز و یا در ایستگاه اتوبوس واحد معطل نمی‌شود؛ بلی، می‌شود، شاید هم بیشتر؛ ولی در همان صف نانوایی با کسی آشنا می‌شود که در خلال صحبت‌های او متوجه می‌شود که فلان گره بزرگ زندگی‌اش که مدتهاست در پی گشایش و جستجوی آن است، با راهنمایی او دارد باز و گشوده می‌شود؛ یا پزشکی که مدت‌هاست دنبالش بود با او آشناست، لذا به دیگری که نفر بعد از اوست اشاره می‌کند که زودتر از او نانش را بگیرد و برود، تا بیشتر از وی استفاده کند. یا پشت چراغ قرمز کسی با تلفن همراه او تماس می‌گیرد که مدتها به دنبالش بوده است و اینجاست که خدا خدا می‌کند تا چراغ سبز نشود! و یا تأخیر اتوبوس وی یا پُر بودنش موجب می‌شود که همچنان بایستد، ولی در همین زمان دوستش که با ماشین خود از آنجا عبور می‌کند او را می‌بیند و یک راست به مقصد می‌رساند؛ حال آنکه اگر با

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.

اتوبوس می‌رفت می‌بایست چند خط واحد را عوض می‌کرد تا به مقصد خود برسد.

آیت‌الله بهلول می‌فرمودند: من در تمام عمرم یک عمل را ترک نکرده‌ام و اصلاً انجام نداده‌ام، و یک عمل را اصلاً ترک نکرده‌ام و تحت هر شرایطی به جا آورده‌ام و از این دو کار هم برکت زیادی دیده‌ام و آن را به همه ی شما سفارش می‌کنم. آن‌که ترک کرده‌ام «دروغ» است، و آن‌که ترک نکرده‌ام «نماز شب» است. (داستان معنوی، ص ۵۰؛ ۵۵)

روضه کوتاه

اگرچه علی اصغر اباعبدالله شش ماه بیشتر ندارد، ولی در این عمر کوتاه، خدا با شهادت علی اصغر یک برکتی به این آقازاده داده شده؛ **باب الحوائج** می‌آید کنار علمدار رشید اباعبدالله قرار می‌گیرد و با همین دست‌های کوچک‌اش گره‌های بزرگی را باز می‌کند.

در کربلا یک جا بود که خدا حسینش را تسلی داد، آن هم وقتی بود که علی اصغر را دست‌های بابا پرپر می‌زد. خدا می‌داند به دل اباعبدالله چه گذشت وقتی این خون‌ها را به آسمان پرتاب می‌کرد و می‌فرمود: «خدایا! چون تو می‌بینی من صبر می‌کنم.» خدا دل حسینش را آرام کرد که الان یا اباعبدالله! طفلت را شیردهندگان بهشتی سیرابش کردند.

جهت عضویت در
کانال محراب کلیک کنید.